

جایگاه سرمایه اجتماعی در تحقق تمدن نوین اسلامی در اندیشه امام خمینی 1

دریافت: ۹۸/۷/۲۱

تأیید: ۹۸/۱۲/۲۵

علی اصغر نصیری*

چکیده

احیای تمدن اسلامی با توجه به مقتضیات زمان و مکان در دوره معاصر به عنوان یکی از مهم ترین آرمان های انقلاب اسلامی ایران و بسیاری از اندیشمندان جهان اسلام محسوب می شود. یکی از موضوعات مرتبط با مباحث تمدنی، رابطه ای است که تمدن با سرمایه اجتماعی دارد. مراجعه به دیدگاه علما و اندیشمندان اسلامی می تواند در این باره راه گشا باشد. در این میان، دیدگاه امام خمینی 1 به عنوان رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران در باره تمدن نوین اسلامی و رابطه آن با سرمایه اجتماعی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. لذا ضروری است دیدگاه ایشان در این موضوع مورد توجه قرار گیرد. مقاله حاضر در صدد است تا جایگاه سرمایه اجتماعی در تحقق تمدن نوین اسلامی را در اندیشه امام خمینی 1 تبیین نماید. برای رسیدن به این هدف نیز از روش تحلیلی استنباطی استفاده شده است. از جمله یافته های مقاله حاضر این است که در اندیشه امام خمینی رابطه معناداری میان تحقق تمدن نوین اسلامی و سرمایه اجتماعی وجود دارد؛ به گونه ای که وجود سرمایه اجتماعی و افزایش سطح آن در جامعه نقش به سزایی در ایجاد هم کاری و هم دلی در جهت تحقق اهداف نظام اسلامی به ویژه شکل گیری تمدن نوین اسلامی دارد.

واژگان کلیدی

امام خمینی، تمدن اسلامی، تمدن نوین اسلامی، سرمایه اجتماعی

* عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی شاهرود: a.nasiri@shahroodut.ac.ir

مقدمه

تمدن نوین اسلامی از جمله موضوعات آرمانی است که ذهن علما و اندیشمندان برجسته اسلامی را به خود مشغول کرده است؛ به طوری که رهبر معظم انقلاب اسلامی، آیه الله خامنه ای یکی از مراحل پنج گانه انقلاب اسلامی ایران، بلکه مرحله نهایی آن را نیل و وصول به تمدن نوین اسلامی معرفی کرده اند (خامنه ای، ۱۳۸۳/۸/۶). در این بین، یکی از مقولاتی که به اذعان بسیاری از اندیشمندان علوم اجتماعی، نقش بسیار مؤثر و قابل توجهی در تسهیل امور و پیشرفت جوامع دارد، سرمایه اجتماعی است. با توجه به این ویژگی در سرمایه اجتماعی، بررسی نقش و جایگاه سرمایه اجتماعی در تحقق تمدن نوین اسلامی از ضریب اهمیت بالایی برخوردار می شود. به ویژه این که تاکنون پژوهش های زیادی که نسبت سرمایه اجتماعی و تمدن نوین اسلامی را بررسی کرده باشند، انجام نگرفته است. در این بین، امام خمینی 1 به عنوان یکی از علما و اندیشمندان برجسته جهان اسلام که رهبری انقلاب اسلامی را برعهده داشته است، از جمله کسانی است که در آثار و کلام خود، به مقوله تمدن و به طور کلی مباحث تمدنی اشاره نموده است. با این وجود، پژوهش های زیادی در این باره صورت نگرفته است. بلکه اندک پژوهش هایی که مسأله تمدن و تمدن نوین اسلامی را از دیدگاه امام خمینی بررسی کرده اند نیز از جامعیت لازم برخوردار نمی باشند و پاسخ گوی مسأله این پژوهش نیستند. به ویژه با توجه به این که تمدن نوین اسلامی مرحله نهایی انقلاب اسلامی می باشد که رسیدن به آن مرحله در قدم اول نیازمند تولید ادبیات نظری متقن و گسترده ای است که به مثابه چراغ و نقشه راه، مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی را روشن می کند. لذا ضرورت دارد تحقیقات بیش تر و گسترده ای در اندیشه امام خمینی 1 در بحث تمدن نوین اسلامی از جهات و ابعاد مختلف انجام پذیرد. نویسنده در این مقاله قصد دارد جایگاه سرمایه اجتماعی را در تحقق تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی بررسی نماید. لذا سؤال اصلی مقاله این است که در اندیشه امام خمینی 1 سرمایه اجتماعی در تحقق تمدن نوین اسلامی چه جایگاهی

دارد؟ برای پاسخ به این سؤال، بیانات و آثار امام خمینی در موضوع سرمایه اجتماعی و تمدن نوین اسلامی با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی استنباطی بررسی خواهد شد.

تمدن

تمدن واژه‌ای است مشتق شده از کلمه «مدینه» و کلماتی هم‌چون «الحضَر» (فراهیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۹۴ و ج ۳، ص ۱۶۸۶)، «المَدَنِيَّة» و «الحَضَارَة» در لغت عرب برای اشاره به مفهوم تمدن استعمال می‌شوند. واژه «Civilization» نیز در زبان انگلیسی بر مفهوم تمدن دلالت می‌کند. «شهرنشین شدن»، «خوی شهری گزیدن»، «هم‌کاری مردم یک جامعه برای ترقی و پیشرفت» از جمله معانی واژه تمدن در زبان فارسی هستند (معین، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۱۳۹، ذیل واژه تمدن و عمید، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۶۱۵، ذیل واژه تمدن). تاکنون تعاریف اصطلاحی متعددی از تمدن، از سوی جامعه‌شناسان و تمدن‌پژوهان ارائه شده است که حاکی از نوعی مرزبندی با مقوله فرهنگ می‌باشد. در واقع از یک سو، ارتباطی که تمدن با فرهنگ دارد، سبب شده برخی به‌طور مطلق و یا مشروط، فرهنگ را همان تمدن معنا کنند (دورانت، ۱۳۳۱، ج ۱، ص ۱۹ و همو، ۱۳۳۷، ص ۳) و برخی نیز آن را مجموعه‌ای از فرهنگ‌ها بدانند (آراسته‌خو، ۱۳۶۹، ص ۲۷۳) و حتی کسانی که میان فرهنگ و تمدن قائل به تمایز شده‌اند نیز تمدن را دستاورد فرهنگ دانسته‌اند (خرمشاد، ۱۳۹۲، ش ۲۳، ص ۱۳۱ و زمانی محبوب، ۱۳۹۵، ش ۹، ص ۱۳۷). از سوی دیگر، وقتی بر فرهنگ، تمدن اطلاق می‌گردد که دستاوردها و نظامات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، علمی و فنی مبتنی بر آن فرهنگ نیز شکل گرفته باشد. بنابراین، از آن‌جا که فرهنگ پایه و اساس تمدن را تشکیل می‌دهد و به لحاظ تاریخی نیز تمدن‌ها بر اساس فرهنگی خاص شکل گرفته‌اند (Baylis & Smith, 1997, p.376 و خرمشاد، ۱۳۹۲، ش ۲۳، ص ۱۳۱)، به نظر می‌رسد تعاریف مختلف مذکور حاکی از اختلاف بنیادینی نباشد.

تمدن نوین اسلامی

تمدن نوین اسلامی، تمدنی است که با محوریت توحید به همه ابعاد فردی و

جمعی و نیازهای مادی و معنوی انسان به صورت توأمان با هدف سعادت و تعالی توجه دارد. این تمدن، متحول و پویا می‌باشد که علاوه بر تأیید پیشرفت‌های بشر در عرصه‌های مختلف علمی، اجتماعی، فنی، صنعتی و غیره بر ارتقا و گسترش آن‌ها نیز تأکید می‌کند و برخلاف تمدن غربی که مبتنی بر جهان‌بینی مادی و ظالمانه است، تمدن نوین اسلامی مبتنی بر جهان‌بینی الهی و مبانی انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی توحیدی است. لذا صبغه‌ای ایمانی، عادلانه و اخلاقی دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۹). به عبارت دیگر، تمدن نوین اسلامی در صدد است تا علاوه بر استفاده از دستاوردهای حاصله از پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی بشر و نیز توجه به رفاه و آسایش مادی، آرامش معنوی انسان را نیز تأمین نماید (فرم‌هینی فراهانی، ۱۳۹۵، ش ۶۷، ص ۸۴). در تمدن نوین اسلامی در پرتو ایمان و توحید، بر کرامت بشر به معنای واقعی کلمه تأکید می‌گردد و پیشرفت همه‌جانبه، برای تمامی بشریت بی هیچ تبعیض، استعمار و استثمار می‌شود.

این تمدن دارای علم خواهد بود، دارای صنعت هم خواهد بود، دارای پیشرفت هم خواهد بود و این مکتب، هدایت‌کننده و اداره‌کننده همه این‌ها خواهد شد. آن که مکتب توحید را مبنای کار خودش قرار می‌دهد، آن جامعه‌ای که به دنبال توحید حرکت می‌کند، همه این خیراتی را که متوقف بر تمدن‌سازی است، به دست خواهد آورد؛ یک تمدن بزرگ و عمیق و ریشه‌دار خواهد ساخت و فکر و فرهنگ خودش را در دنیا گسترش خواهد داد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

نوین‌بودن تمدن اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری، حکایت‌گر نوعی تمایز نسبت به تمدن پیشین اسلامی و تمدن کنونی غرب می‌باشد. تمایز تمدن نوین اسلامی با تمدن غرب، از جهت اختلاف در مبانی است که تفاوت در سبک زندگی را موجب می‌شود. تمایز تمدن نوین اسلامی با تمدن پیشین اسلامی نیز به جهت روزآمدشدن با توجه به اقتضات زمانی و مکانی می‌باشد (زمانی محجوب، ۱۳۹۵، ش ۹، ص ۱۳۶ و خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۹ و ۱۳۹۱/۷/۲۳).

تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی 1؛ شاخص‌ها و ویژگی‌ها

بررسی آثار امام خمینی 1 در موضوع تمدن نشان می‌دهد که ایشان به برخی ویژگی‌های مرتبط با تمدن اشاره داشته‌اند که می‌توان مفهوم تمدن نوین اسلامی را استنباط کرد.

اولین ویژگی تمدن در اندیشه امام خمینی 1 آزادی است و تنها مکاتب توحیدی می‌توانند به انسان، آزادی حقیقی اعطا نمایند و ضامن ایجاد کشوری متمدن باشند (امام خمینی، 1378، ج 9، ص 82). از دیدگاه ایشان، آزادی مردم از استبداد داخلی و داشتن آزادی بیان و رأی و نیز آزادی از استعمار خارجی و استقلال از دخالت و سلطه بیگانگان، اولین مرتبه تمدن و ضامن متمدن بودن یک کشور می‌باشد.

«اول مرتبه تمدن، آزادی ملت است... مملکت متمدن آن است که آزاد باشد، مطبوعاتش آزاد باشد، مردم آزاد باشند در اظهار عقاید و رأیشان» (همان، ج 5، ص 33-32).

از دیدگاه امام خمینی 1 استقلال فکری (همان، ج 9، ص 202) و فرهنگی از جمله ویژگی‌های تمدن می‌باشد؛ زیرا فرهنگ در رأس تمدن قرار دارد و میان فرهنگ و تمدن باید نوعی هماهنگی وجود داشته باشد. لذا از دیدگاه امام، فرهنگ دوران رژیم پهلوی به دلیل وابسته بودن و منحط بودن نمی‌توانست ایجادکننده تمدنی بزرگ در ایران باشد (همان، ج 4، ص 270-269). «هنگامی که شاه ادعا می‌کند که ایران را به مرز «تمدن بزرگ» می‌رساند، دروغ می‌گوید و این مطلب را بهانه قرار داده است تا ریشه استقلال مملکت را قطع کند و خون مردم را جاری سازد» (همان، ج 3، ص 369).

یکی دیگر از ویژگی‌های تمدن در اندیشه امام خمینی 1 پیشرفت‌های علمی و صنعتی است. از دیدگاه ایشان، همه مظاهر تمدن؛ اعم از ابتکارات، اختراعات و صنایع پیشرفته بشری مورد تأیید می‌باشد و هیچ‌یک از مکاتب توحیدی با چنین مظاهری مخالفتی ندارند، بلکه علم و صنعت مورد تأکید دین اسلام و قرآن مجید است (همان، ج 1، ص 406) و انبیای الهی نیز همه مظاهر تمدن را قبول دارند (همان، ج 8، ص 517).

فسادستیزی یکی دیگر از ویژگی‌های تمدن مورد نظر امام خمینی 1 است. از دیدگاه ایشان تمام آثار تجدد و تمدن در اسلام مجاز است، جز آن مواردی که با مصالح

ملت مخالف بوده و مستلزم فساد اخلاق و عفت است (همان، ج ۶، ص ۲۶۲؛ ج ۴، ص ۴۲۷ و ج ۵، ص ۲۱۶).

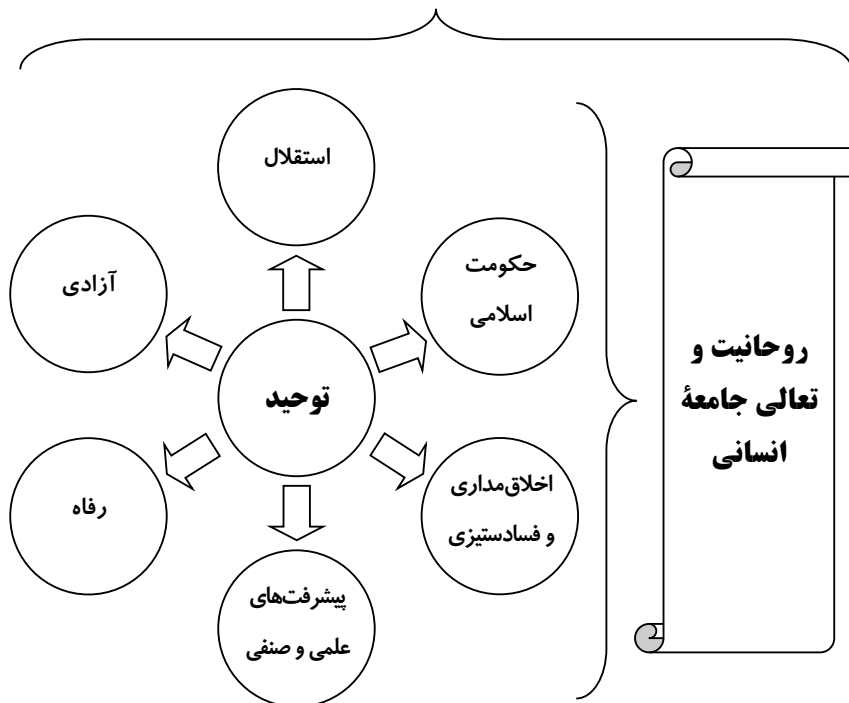
ما با جمیع آثار تمدن موافقیم و مایلیم که مملکت ما مجهز بشود به جمیع آثار تمدن، لکن نه به آن طور که شاه عمل کرد. شاه تمام آثار تمدن را در ایران به یک آثار فاسدکننده مفسد درآورد: سینماها را محل فساد درست کرد، اخلاق جوان‌های ما را فاسد کرد، مراکز فحشا را زیاد کرد... ما با این‌ها مخالفیم و اما با آثار تمدن و پیشروی به هیچ وجه مخالف نیستیم (همان، ج ۵، ص ۵۰۰).

از دیدگاه امام خمینی 1 دین اسلام دارای پیشرفته‌ترین حکومت است و این حکومت نیز به هیچ وجه با تمدن مخالفتی ندارد. بلکه از پایه‌گذاران تمدن بزرگ در جهان بوده است. به اعتقاد ایشان هر کشوری که به قوانین اسلامی عمل کند، بی‌تردید از پیشرفته‌ترین کشورها می‌شود (همان، ص ۲۰۴). «اسلام است که همه را به سلیم دعوت می‌کند و همه را می‌خواهد با رفاه زندگی کنند و تمدن صحیح در اسلام است؛ چنانچه خُریت صحیح در اسلام است» (همان، ج ۸، ص ۳۰۹).

در مجموع تمدن نوین اسلامی از منظر امام خمینی 1 تمدنی می‌باشد در چارچوب قوانین و اخلاق اسلامی که مردم در آن با هدف رسیدن به روحانیت و تعالی توحیدی از آزادی، استقلال، رفاه و پیشرفت‌های علمی و صنعتی برخوردار هستند و می‌توان گفت تعبیری هم‌چون «تمدن صحیح» (همان)، «تمدن الهی، تمدن رسول الهی» (همان، ج ۶، ص ۳۴۳) در اندیشه امام خمینی 1 بر این مفهوم از تمدن نوین اسلامی دلالت دارد.

اسلام آمده است که این طبیعت را بکشد طرف روحانیت، مهار کند. طبیعت را به همان معنایی که همه می‌گویند، آن هم می‌گوید این جور نیست که به طبیعت کار نداشته باشد. تمدن را به درجه اعلایش اسلام قبول دارد و کوشش می‌کند برای تحققش؛... او به این نگاه می‌کند که بکشدش طرف روحانیت، بکشدش طرف توحید... (همان، ج ۸، ص ۴۱۵).

شاخص‌ها و ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی



سرمایه اجتماعی؛ عناصر و مؤلفه‌ها

سرمایه اجتماعی که در زبان انگلیسی Social Capital نام دارد، یکی از انواع سرمایه‌های بشری می‌باشد که در تسهیل تحقق اهداف فردی و جمعی نقش دارد و افزایش‌دهنده ضریب موفقیت است. اهمیت و ضرورت سرمایه اجتماعی به جهت جایگاه و نقش مهم ایجابی و سلبی آن در جامعه است. زیرا این سرمایه از یک سو به بهره‌وری فردی و جمعی در جامعه کمک می‌کند و از سوی دیگر، بدون وجود آن، دستیابی موفقیت‌آمیز جامعه به اهدافش با مشکل مواجه می‌گردد (خضری، ۱۳۸۵، ش ۳۱، ص ۳۳). لذا سرمایه اجتماعی در کنار سرمایه طبیعی، سرمایه تولیدشده و سرمایه انسانی، یکی از چهار جزء ثروت ملل در نظریه توسعه پایدار

معرفی می‌گردد (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰، ش ۲، ص ۹-۱۰). نظریه‌پردازانی هم‌چون «کلمن»، «پاتنام»، «فوکویاما» و «داگلاس» سرمایه اجتماعی را در سطوح مختلف خرد (سطح روابط بین افراد؛ مثل خانواده و سطح انجمن‌ها و سازمان‌های واسطه؛ مثل شرکت‌ها و احزاب سیاسی) و کلان (سطح حکومت و نهادهای وابسته) (همان، ص ۱۲) تعریف کرده‌اند. در مجموع، سرمایه اجتماعی به ویژگی‌هایی هم‌چون شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی، در روابط اجتماعی اطلاق می‌گردد که هماهنگی و هم‌کاری اعضا را در جهت رسیدن به اهداف مشترک و منافع متقابل آسان می‌نماید (Putnam, 1995, p.67). سرمایه اجتماعی به دو نوع سرمایه اجتماعی شناختی و سرمایه اجتماعی ساختاری تقسیم می‌شود (Parts, 2013, p.96 و افسری و علیزاده، ۱۳۹۵، ش ۲۳، ص ۴۷). توجه به ارزش‌ها، عقاید و هنجارهای تأثیرگذار در روابط میان انسان‌ها در سرمایه اجتماعی شناختی محوریت دارد که اعتماد اجتماعی و هنجارهای اجتماعی از جمله مصادیق این نوع می‌باشند. اما توجه به کمیت مشارکت افراد در گروه‌ها، سازمان‌ها و شبکه‌های اجتماعی و تعداد و انواع آن‌ها در سرمایه اجتماعی ساختاری محوریت دارد (افسری و علیزاده، ۱۳۹۵، ش ۲۳، ص ۴۷). به طور کلی اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی، سه عنصر اصلی در سرمایه اجتماعی می‌باشند که میزان کیفیت و کمیت آن‌ها توصیف‌کننده سطح سرمایه اجتماعی در روابط میان انسان‌ها در جامعه است.

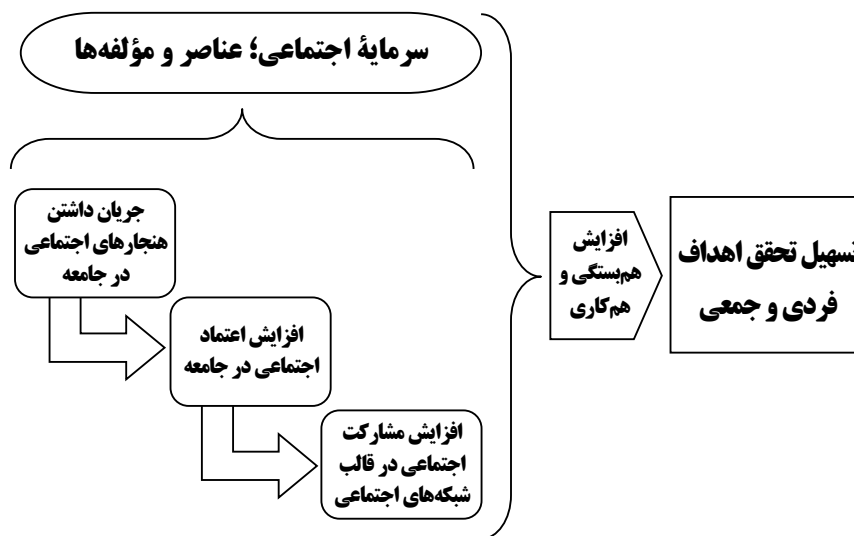
اعتماد اجتماعی عبارت است از تمایل فرد به پذیرش خطر در یک موقعیت اجتماعی، مبتنی بر اطمینان به این‌که دیگران به گونه مورد انتظار عمل کرده و از او حمایت خواهند کرد. اعتماد در واقع شاخصی مناسب برای ارتباطات مثبت و متقابل تلقی می‌شود که در نتیجه تکرار برخی تعامل‌ها در طول زمان تحت شرایط اجتماعی و اقتصادی در جامعه به وجود می‌آید (همان). وجود عنصر اعتماد در کلیه روابط اجتماعی؛ اعم از خرد و کلان، آثار و فواید چشم‌گیری هم‌چون افزایش استقلال و توانایی فردی و گروهی، تسهیل و تسریع امور، کاهش هزینه‌ها را در پی دارد (ابوالحسنی، ۱۳۹۲، ش ۴، ص ۷۳-۷۲). در واقع ارتباط مستقیمی میان اعتماد و هم‌کاری

وجود دارد؛ به گونه‌ای که هر چقدر سطح اعتماد در جامعه بیش‌تر شود، هم‌کاری نیز بیش‌تر می‌گردد (تاجبخش، ۱۳۸۴، ص ۲۹۲ و ابوالحسنی، ۱۳۹۲، ش ۴، ص ۷۳). در سرمایه اجتماعی به طور عمده به ویژه با توجه به شاخصه مشارکت مدنی، اعتماد عمومی مورد توجه است، نه اعتماد مبتنی بر دانش و نه اعتماد عشیره‌ای. اعتماد عمومی از یک سو نشان‌دهنده آمادگی اعضای جامعه جهت هم‌کاری با یک‌دیگر و از سوی دیگر نیز نشان‌دهنده آمادگی آنان جهت ورود در فعالیت‌های مدنی است. به بیان دیگر، وجود اعتماد عمومی؛ هم افزایش‌دهنده مشارکت مدنی و پای‌بندی به تعهدات و هم کاهش‌دهنده روحیه فرصت‌طلبی و هزینه‌های کنش جمعی است (خضری، ۱۳۸۵، ش ۳۱، ص ۳۴-۳۵).

اما هنجارهای اجتماعی نقش به‌سزایی در به‌وجود آمدن هم‌کاری اجتماعی دارند. هنجارها از آن جهت که در روابط میان افراد تأثیرگذاری مثبت دارند و سبب افزایش تعامل آن‌ها با یک‌دیگر می‌شوند، به عنوان سرمایه اجتماعی به شمار می‌روند (افسری و علیزاده، ۱۳۹۵، ش ۲۳، ص ۴۷). در واقع هنجارها با بالابردن سطح اعتماد میان افراد در جامعه، افزایش هم‌گرایی و هم‌کاری اجتماعی را موجب می‌گردند (ابوالحسنی، ۱۳۹۲، ش ۴، ص ۷۵). به بیان دیگر، هنجارهای اجتماعی، سبب رعایت مقررات، قواعد و سیاست‌ها در جامعه می‌شوند و مشارکت و هم‌کاری افراد و شهروندان جامعه را در سطح خرد و کلان ایجاد می‌کنند (همان، ص ۸۵).

مشارکت در قالب شبکه‌های اجتماعی، به عنوان یکی از عناصر سرمایه اجتماعی عبارت است از مشارکت افراد در شبکه‌های رسمی و گروه‌های اجتماعی؛ اعم از گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تخصصی و غیره که بر آن مشارکت اجتماعی نیز اطلاق می‌شود (kaasa, 2009, p.221 و افسری و علیزاده، ۱۳۹۵، ش ۲۳، ص ۴۷). شبکه‌های اجتماعی از آن جهت که باعث هم‌کاری مردم با یک‌دیگر می‌گردند و سبب تحصیل منافع دوطرفه می‌شوند، لذا زیربنای هم‌بستگی اجتماعی را ایجاد می‌کنند. در این شبکه‌ها اعتماد نیز افزایش می‌یابد و این خود، سبب کاهش انگیزه‌های عهدشکنی و فضای غیر شفاف می‌گردد و در نتیجه، هم‌کاری‌ها تقویت و افزایش

می‌یابد. شبکه‌های مشارکت مدنی، به عنوان یکی از انواع و بخش‌های شبکه‌های اجتماعی محسوب می‌شوند (ابوالحسنی، ۱۳۹۲، ش ۴، ص ۷۵-۷۳).



جایگاه سرمایه اجتماعی در تحقق تمدن نوین اسلامی

در این قسمت، دیدگاه امام خمینی 1 در مورد جایگاه سرمایه اجتماعی در تحقق تمدن نوین اسلامی با محوریت سه عنصر اعتماد اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای اجتماعی بررسی می‌شود.

اعتماد اجتماعی و تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی 1

اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از عناصر سرمایه اجتماعی، از جایگاه مهمی در اندیشه امام خمینی 1 برخوردار است. از دیدگاه امام خمینی عنصر اعتماد اجتماعی نقش تأثیرگذاری در حدوث و بقای انقلاب اسلامی، به عنوان مقدمه تحقق تمدن نوین اسلامی دارد. در واقع به‌ثمر رسیدن انقلاب اسلامی ایران، به اعتقاد امام، حاصل اعتماد مردم به اسلام و روحانیت انقلابی بود (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۱، ص ۴۶۰). به عبارت دیگر، اعتماد اجتماعی به‌وجود آمده در ایام انقلاب، قیام و حرکت عظیمی را در جامعه

اسلامی ایران ایجاد نمود که هدف آن از یک سو، محو آثار و وضعیت طاغوتی توأم با استبداد، وابستگی، فساد و عقب‌ماندگی بود و از سوی دیگر نیز در صدد تحقق آرمان‌های اصیل اسلامی هم‌چون آزادی، استقلال، پیشرفت، اخلاق و تشکیل حکومت اسلامی بود (همان، ج ۳، ص ۳۸۹-۳۶۸).

حکومت اسلامی مساوی است با پیش‌گرایی و تمدن و ترقی؛ نه مخالف برای آن است. زیر سلطه شاه، مملکت رو به تنزل و ارتجاع است. جوان‌های ما، و فرهنگ ما را عقب نگه داشته است... نظام حاکم وابسته است به غیر؛ و وابستگی ارتجاع است. اقتصاد ما شکست خورده، به غیر وابسته است، ارتجاعی است... ملت مستقل، مملکت مستقل، اقتصاد مستقل را ما می‌خواهیم، اما شاه مانع است. ما و ملت علیه شاه قیام کرده است (همان، ج ۵، ص ۶۹).

به بیان دیگر، از آن‌جا که در نظام استبدادی میان مردم و حکومت بی‌اعتمادی وجود دارد (همان، ج ۳، ص ۴۱۷، ج ۵، ص ۳۱۶ و ج ۴، ص ۳۶۹). لذا چنین جامعه‌ای از سطح پایینی از سرمایه اجتماعی برخوردار می‌باشد و این امر نیز مسیر پیشرفت را در آن جامعه با مشکل جدی مواجه می‌کند. در مقابل، در حکومت اسلامی و مردم‌سالاری دینی به دلیل وجود ویژگی‌های مترقی هم‌چون آزادی، اخلاق، استقلال و... عنصر اعتماد اجتماعی در جامعه ایجاد و تقویت می‌شود و این امر نیز مسیر پیشرفت و تمدن‌سازی را هموار می‌سازد.

از دیدگاه امام خمینی ۱ عنصر اعتماد اجتماعی همانند تأثیری که در ایجاد انقلاب اسلامی داشت، پس از انقلاب اسلامی نیز نقش به‌سزایی در تحقق و گسترش آرمان‌های انقلاب اسلامی به‌ویژه پیشرفت‌های علمی و صنعتی، رفاه و اخلاق‌مداری دارد. وجود روحیه تعاون و هم‌کاری در جامعه یکی از ثمرات عنصر اعتماد اجتماعی می‌باشد که به اعتقاد امام خمینی ۱ مصونیت، ترقی و تعالی از آثار آن است.

تا این روح تعاون و تعهد در جامعه برقرار است، کشور عزیز از آسیب دهر ان شاء الله تعالی مصون است. و وصیت من به همه آن است که با یاد

خدای متعال به سوی خودشناسی و خودکفایی و استقلال، با همه ابعادش به پیش و بی‌تردید دست خدا با شما است، اگر شما در خدمت او باشید و برای ترقی و تعالی کشور اسلامی به روح تعاون ادامه دهید (همان، ج ۲۱، ص ۴۵۰). به عبارت دیگر، به اعتقاد امام خمینی ۱ جریان‌داشتن عنصر اعتماد در جامعه، نه تنها هم‌کاری مردم با حکومت را در پی دارد، بلکه موجب فداکاری مردم در راه حفاظت از حکومت و هم‌چنین پیشرفت و تحقق آرمان‌های مادی و معنوی نیز می‌گردد. لذا امام خمینی نسبت به عواقب جدایی مردم از حکومت هشدار می‌دهند و بر اتحاد آن دو تأکید دارند.

دولت و مردم نایستی از یک‌دیگر جدا باشند، اگر جدا شدند، ملت از گرفتاری دولت خوشنود می‌شود و مردم از مالیات و کار می‌دزدند، ولی هر گاه یکی باشند، مردم گلیم زیر پای خود را در مواقع لزوم می‌فروشند و به دولت می‌دهند تا رفع نیاز دولت بشود (همان، ج ۱، ص ۱۲۳-۱۲۲).

بر این اساس، حضرت امام، برای مرتفع‌شدن مشکلات و رسیدن به پیشرفت، کارگزاران نظام را به دوستی با مردم و به‌دست‌آوردن دل‌های آنان سفارش می‌کند. به اعتقاد ایشان، لازمه این امر نیز تعهد به اجرای احکام اسلام، پاک‌دستی، تخصص و خدمت‌کردن مسؤولان به مردم است. زیرا در این شرایط است که عنصر اعتماد، ایجاد و تقویت می‌شود (امام‌جمعه‌زاده و مهربانی کوشکی، ۱۳۹۴، ش ۴۲، ص ۱۳۵-۱۳۳) و با پشتیبانی و حمایت مردم، نظام اسلامی برای تحقق آرمان‌ها استمرار می‌یابد.

با ملت‌های خودتان دوست باشید و آن‌ها پشتیبان شما و شما خدمت‌گزار آن‌ها. اگر ملت‌ها احساس بکنند که دولت‌ها برای پشتیبانی و خدمت به آن‌ها آمدند، هیچ اشکال نیست که آن‌ها هم در خدمت حاضرند و بیش‌تر حاضرند. این مسئله به دست خود دولت‌هاست که حل کنند و مع‌الأسف نمی‌کنند. این یکی از مشکلات ماست که تا این مشکل حل نشود، امید این‌که ما بتوانیم با ابرقدرت‌ها مخالفت کنیم و بتوانیم آن‌ها را از ممالک خودمان بیرون کنیم، نیست (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۴۱۷).

کاری بکنید که دل مردم را به دست بیاورید. پایگاه پیدا کنید در بین مردم، وقتی پایگاه پیدا کردید، خدا از شما راضی است، ملت از شما راضی است، قدرت در دست شما باقی می‌ماند و مردم هم پشتیبان شمایند، اگر یک کسی بیاید بخواهد به شما یک تعدی بکند، ملت به او حمله می‌کند. به خلاف این که اگر مردم دیدند که این‌ها با آن‌ها نیستند (همان، ج ۷، ص ۵۱۷).

یکی از لوازم تحقق و استمرار آرمان‌های انقلاب اسلامی؛ اعم از پیشرفت‌های مادی (علمی، صنعتی، رفاه، آزادی، استقلال، فسادستیزی و...) و معنوی (اخلاق‌مداری و روحانیت و تعالی الهی) وجود وحدت و انسجام اجتماعی است. اهمیت وحدت و انسجام؛ به گونه‌ای است که در منابع اصیل اسلامی نیز بر آن تأکید شده است: «وَ اغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران (۳): ۱۰۳). نظریه‌پردازان توسعه نیز بر وحدت و یک‌پارچگی اجتماعی، به عنوان یکی از عوامل پیشرفت اشاره کرده‌اند (گن‌ذیر، ۱۳۶۹، ص ۱۸۵ و وینر و دیگران، ۱۳۵۰، ص ۱۵۴). وحدت و انسجام اجتماعی در واقع از مهم‌ترین آثار عنصر اعتماد اجتماعی محسوب می‌شود که در اندیشه امام خمینی ۱ نیز بر آن بسیار تأکید شده است. به اعتقاد ایشان، وحدت از یک سو، استقلال جوامع اسلامی از سلطه مستکبران را موجب می‌شود و از سوی دیگر، ضمن حل مسائل و مشکلات مسلمانان، سعادت آنان را نیز به دنبال خواهد داشت (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۳۰۸). از دیدگاه امام خمینی، به وجود آمدن تفرقه و اختلاف در جامعه سبب سلب اعتماد اجتماعی نسبت به مسئولان می‌گردد (همان، ج ۲۱، ص ۱۵۶-۱۵۵) و این امر نیز موجب شکست انقلاب اسلامی و ازدست‌دادن آزادی و استقلال (همان، ج ۷، ص ۳۴۹) که از ویژگی‌های ضروری تمدن نوین اسلامی است، می‌گردد.

بی‌تردید رمز بقای انقلاب اسلامی، همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسل‌های آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن: انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد. این جانب به همه نسل‌های

حاضر و آینده وصیت می‌کنم که اگر بخواهید اسلام و حکومت الله برقرار باشد و دست استعمار و استثمارگران خارج و داخل از کشورتان قطع شود، این انگیزه الهی را که خداوند تعالی در قرآن کریم بر آن سفارش فرموده است، از دست ندهید و در مقابل این انگیزه که رمز پیروزی و بقای آن است، فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است (همان، ج ۲۱، ص ۴۰۴).

شبکه‌های اجتماعی و تمدن نوین اسلامی امام خمینی 1

شبکه‌های اجتماعی به مثابه بستر مشارکت داوطلبانه، به عنوان یکی از عناصر سرمایه اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای در اندیشه امام خمینی 1 برخوردار می‌باشد. یکی از لوازم تحقق تمدن نوین اسلامی، حضور و مشارکت داوطلبانه مردم در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، علمی و... جامعه می‌باشد. امام خمینی نیز بر حضور و مشارکت مردم برای تحقق آرمان‌های تمدن‌ساز انقلاب اسلامی تأکید داشتند. بر این اساس، ایشان در سطح کلان با طرح نظریه مردم‌سالاری دینی در قالب جمهوری اسلامی، زمینه‌ساز مشارکت داوطلبانه مردم برای تعیین سرنوشت خود در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه گشتند. البته این مشارکت در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، در قالب حضور در تظاهرات‌ها و راهپیمایی‌های انقلابی علیه نظام استبدادی و وابسته ارتجاعی پهلوی متجلی شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در قالب حضور در همه‌پرسی و انتخابات متعدد و دفاع مقدس نمود یافت که در واقع عینیت‌بخشی به آزادی و استقلال و حفاظت از آن دو، جهت تحقق دیگر آرمان‌ها، ویژگی‌ها و عناصر مادی و معنوی تمدن نوین اسلامی محسوب می‌شود. در سطح خرد نیز امام خمینی 1 در راستای سرعت‌بخشیدن به تحقق آرمان‌های تمدنی انقلاب اسلامی از طریق توسعه و گسترش مشارکت‌های داوطلبانه، برخی شبکه‌های اجتماعی هم‌چون بسیج و جهاد سازندگی را تأسیس و برخی دیگر از شبکه‌های اجتماعی هم‌چون شبکه مساجد را احیا و فعال نمود.

شبکه بسیج از جمله شبکه‌های اجتماعی محسوب می‌شود که به ابتکار امام خمینی

تأسیس گردید و زمینه گسترش مشارکت داوطلبانه و همگانی مردم را در عرصه‌های مختلف مورد نیاز کشور؛ اعم از دفاعی، خدماتی، علمی و... فراهم نمود. عمل‌کرد چشم‌گیر شبکه بسیج در دوران دفاع مقدس در خط مقدم و بخش‌های مختلف پشتیبانی از جمله مصادیق بارز مشارکت داوطلبانه در جهت حفاظت از دستاوردهای انقلاب اسلامی به ویژه استقلال و تمامیت ارضی می‌باشد. کارکرد این شبکه پس از دوران جنگ تحمیلی نیز ادامه یافت؛ به گونه‌ای که حضور داوطلبانه و اقدامات جهادی این شبکه از یک سو در عرصه‌های مختلف علمی، پژوهشی و صنعتی، پیشرفت‌های عظیمی را در حوزه‌های هسته‌ای، هوافضا، نانو، سلول‌های بنیادین، موشکی و غیره را رقم زد و از سوی دیگر، در عرصه خدماتی نیز با محرومیت‌زدایی از مناطق محروم و روستاها و کمک‌رسانی در حوادث طبیعی هم‌چون سیل، زلزله و... اقدامات تأثیرگذاری را در راستای تحقق آرمان‌های تمدنی انقلاب اسلامی انجام داد. از جهت امنیتی نیز شبکه بسیج در راستای حفاظت از استقلال و دیگر دستاوردهای انقلاب اسلامی در قالب مدافعان وطن و حرم، اقدامات برجسته‌ای انجام داد. این ویژگی تمدنی در شبکه بسیج، در واقع ریشه در شکل‌گیری اقدامات و روابط اعضا بر اساس مبانی اعتقادی اسلامی و اخلاص دارد که این امر، سبب افزایش سطح اعتماد میان اعضا می‌شود و در سطح کلان نیز سبب تولید اعتماد در جامعه می‌گردد. در نتیجه، سطح هم‌کاری و هم‌دلی شهروندان در پیشبرد اهداف تمدنی جامعه اسلامی افزایش می‌یابد. به همین دلیل است که از دیدگاه امام خمینی ¹ تشکیل بسیج از برکات خداوند متعال و مصداق کامل خلوص، فداکاری و درخت تناور و پرثمر شمرده می‌شود.

تشکیل بسیج در نظام جمهوری اسلامی ایران یقیناً از برکات و الطاف جلیه خداوند تعالی بود که بر ملت عزیز و انقلاب اسلامی ایران ارزانی شد. در حوادث گوناگون پس از پیروزی انقلاب، خصوصاً جنگ، بودند نهادها و گروه‌های فراوانی که با ایثار و خلوص و فداکاری و شهادت‌طلبی، کشور و انقلاب اسلامی را بیمه کردند. ولی حقیقتاً، اگر بخواهیم مصداق کاملی از ایثار و خلوص و فداکاری و عشق به ذات مقدس حق و اسلام را ارائه

دهیم، چه کسی سزاوارتر از بسیج و بسیجیان خواهند بود! بسیج، شجره طیبه و درخت تناور و پرثمری است که شکوفه‌های آن بوی بهار وصل و طراوت یقین و حدیث عشق می‌دهد. بسیج مدرسه عشق و مکتب شاهدان و شهیدان گمنامی است که پیروانش بر گل‌دسته‌های رفیع آن، اذان شهادت و رشادت سر داده‌اند. بسیج میقات پابرهنگان و معراج اندیشه پاک اسلامی است که تربیت یافتگان آن، نام و نشان در گمنامی و بی‌نشانی گرفته‌اند. بسیج لشگر منخلص خداست که دفتر تشکل آن را همه مجاهدان از اولین تا آخرین امضا نموده‌اند. من همواره به خلوص و صفای بسیجیان غبطه می‌خورم و از خدا می‌خواهم تا با بسیجیانم محشور گرداند؛ چرا که در این دنیا افتخارم این است که خود بسیجی‌ام (همان، ص ۱۹۴).

شبکه مساجد نیز یکی دیگر از شبکه‌های اجتماعی در اندیشه امام خمینی ۱ محسوب می‌شود که ایشان با احیای کارکردهای اصلی شبکه مساجد، زمینه مشارکت داوطلبانه مردم را در عرصه‌های مختلف جامعه فراهم کردند. از دیدگاه امام خمینی، مسجد جایگاه مهمی در نظام اسلامی دارد؛ به گونه‌ای که مرکز سیاست در جهان اسلام بوده است.

مسجد وقتی نماز در آن بر پا می‌شده است، تکلیف معین می‌کرده‌اند، جنگ‌ها از آن‌جا شالوده‌اش ریخته می‌شده است، تدبیر ممالک از آن‌جا، از مسجد شالوده‌اش ریخته می‌شده است. مسجد مثل کلیسا نیست... لکن مسجد مسلمین در زمان رسول خدا ﷺ و در زمان خلفایی که بودند - هر جور بودند - مسجد مرکز سیاست اسلام بوده است (همان، ج ۲، ص ۳۲-۳۱).

بعد فرهنگی تمدن نوین اسلامی به ویژه شاخص اعتقادی توحیدی و اخلاقی، از جمله کارکردهای برجسته شبکه مساجد به شمار می‌آید. بر این اساس، امام خمینی ۱ نیز بر ارتباط مستمر مردم با مساجد تأکید دارند. به عبارت دیگر، بر اثر روابطی که در شبکه مساجد بر اساس ایمان و تقوا شکل می‌گیرد، اعتماد اجتماعی ایجاد و تقویت می‌شود. این امر نیز خود، سبب وحدت و انسجام و به تبع آن هم‌دلی و هم‌کاری در

جامعه می‌شود که تحقق اهداف تمدن نوین اسلامی به ویژه اهداف فرهنگی آن را تسهیل می‌کند.

لازم است در این موقع حساس که بیش از هر وقت احتیاج به اجتماعات اسلامی داریم، ملت مسلمان ما به مساجد در تمام بلاد رو آورند و نهضت را از راه مساجد که دژهای محکم اسلام است، زنده نگه دارند و با شعارهای اسلامی، نهضت را به پیش ببرند (همان، ج ۹، ص ۲۳۸).

در مجموع، امام خمینی 1 با تأسیس نهادهایی هم‌چون جهاد سازندگی و بسیج اجتماعی، در واقع شبکه‌های اجتماعی را در جامعه ایجاد نمودند که ارتباطات در آن‌ها به صورت افقی بوده؛ به این معنا که کنش‌های افراد در آن شبکه‌ها متقابل، برابر و ایجادکننده صمیمیت میان افراد آن است. از دیدگاه امام خمینی مشارکت داوطلبانه مردم به ویژه در قالب شبکه‌های بسیج اجتماعی و جهاد سازندگی برای حل مشکلات و مسائل جامعه امری ضروری است. به اعتقاد ایشان، بدون مشارکت مردم، دولت به تنهایی نمی‌تواند در تحقق اهداف تمدنی مادی و معنوی انقلاب اسلامی موفق شود (همان، ج ۲۰، ص ۵۶). «ایران مال خود شماست و خود شما باید او را بسازید و اگر همه ملت در این امر؛ در امر سازندگی همت نکنند، کارها زمین می‌ماند» (همان، ج ۱۲، ص ۶۸).

هنجارهای اجتماعی و تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی 1

هنجارهای اجتماعی به عنوان یکی دیگر از عناصر سرمایه اجتماعی از جایگاه مهمی در اندیشه امام خمینی 1 برخوردار می‌باشد. امام خمینی معتقدند توجه به مبانی اخلاقی و عمل به آن‌ها در جامعه نقش به‌سزایی در سلامت روابط اجتماعی و همکاری میان افراد جامعه دارد و این امر نیز در تحقق ویژگی‌ها و عناصر تمدن نوین اسلامی تأثیرگذار است. دوستی، مواصلت، نیکی به یکدیگر، مودت و اخوت از جمله اصول اخلاقی می‌باشند که امام، بر آن تأکید دارند و معتقدند که مسلمانان مأمور به رعایت آن‌ها می‌باشند و اجرای آن در جامعه موجب وحدت و یکپارچگی جامعه می‌گردد و

در مقابل نیز تضعیف آن‌ها زمینه‌ساز تفرقه، فساد و دشمنی در جامعه می‌شود. به اعتقاد امام خمینی 1 غیبت از جمله رذایل اخلاقی است که اصول اخلاقی مذکور را تهدید می‌نماید و تفرقه، فساد و دشمنی را جایگزین آن‌ها می‌کند. لذا رذیله مذکور قبیح است و باید ترک شود.

مسلمین مأمورند به دوستی و مواصلت و نیکویی به یکدیگر و مودت و اخوت و معلوم است آنچه موجب ازدیاد این معانی شود، محبوب و مرغوب است و آنچه این عقد مواصلت و اخوت را بگسلد و تفرقه در بین جمعیت اندازد، مبعوض صاحب شرع و مخالف مقاصد بزرگ اوست و پر واضح است که این کبیره موبقه [غیبت] اگر رایج شود در بین جمعیتی، موجب کینه و حسد و بغض و عداوت شده و ریشه فساد در جمعیت بدواند، درخت نفاق و دورویی در آن‌ها ایجاد کند و برومند نماید و وحدت و اتحاد جامعه را گسسته کند و پایه دیانت را سست کند و از این جهت بر فساد و قبیح آن افزوده گردد (امام خمینی، ۱۳۹۴، ص ۳۱۱-۳۱۰).

از دیگر اصول اخلاقی و هنجارهای دینی و اسلامی که امام خمینی 1 بر لزوم توجه به آن‌ها در عرصه زندگی اجتماعی تأکید می‌کند، برابری، برادری، آزادی و مسؤولیت اجتماعی است. در واقع رواج این ارزش‌ها به خصوص برابری و مساوات همه شهروندان در مقابل قانون و نیز مسؤولیت همگانی در قالب امر به معروف و نهی از منکر در میان افراد جامعه از یک سو سطح قانون‌مداری را در اجتماع بالا می‌برد. از سوی دیگر نیز توجه به آن هنجارها به ویژه برادری دینی و انسانی آحاد مردم نسبت به یکدیگر و آزادی‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، ضمن بالابردن سطح اعتماد اجتماعی و انگیزه مشارکت در اداره امور ملی، سبب افزایش هم‌دلی و روحیه تعاون و همکاری در تحقق ویژگی‌ها و عناصر تمدن نوین اسلامی می‌گردد.

اسلام دین برابری و برادری است و در آن اصلاً نژاد مطرح نیست. گُرد و فارس، ترک و عرب ابداً در اسلام مطرح نیست و آن چیزی که در اسلام مطرح هست، تقوا و صفا و برادری و برابری است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۴۹). همه و

همه ملت موظفند که نظارت کنند بر این امور. نظارت کنند، اگر من یک پایم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن. مسأله، مسأله مهم است. همه ملت موظفند به این که نظارت داشته باشند در همه کارهایی که الآن مربوط به اسلام است (همان، ج ۸، ص ۵). الآن مکلفیم ما، مسؤولیم همه مان، همه مان مسؤولیم، نه مسؤول برای کار خودمان، مسؤول کارهای دیگران هم هستیم «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»... همه باید نسبت به همه رعایت بکنند. همه باید نسبت به دیگران... امت باید نهی از منکر بکند، امر به معروف بکند (همان، ص ۴۸۸-۴۸۷). مملکت متمدن آن است که آزاد باشد، مطبوعاتش آزاد باشد، مردم آزاد باشند در اظهار عقاید و رأیشان (همان، ج ۵، ص ۳۳).

ایمان و عشق به خداوند متعال و حیات جاویدان نیز از دیدگاه امام خمینی ۱ که رمز موفقیت و پیشرفت در ابعاد مختلف است، نقش تأثیرگذاری در تحقق وحدت، هم دلی و هم کاری در جامعه دارد. با این توضیح که مردم ایران با اتکا بر ایمان به خداوند متعال، در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها، با هم‌کاری، بلکه فداکاری و حماسه توانستند جنگ تحمیلی را با پیروزی به سرانجام برسانند، بر اساس همان ایمان نیز می‌توانند، اهداف تمدنی انقلاب اسلامی را محقق سازند.

من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله ﷺ و کوفه و عراق در عهد امیر المؤمنین و حسین بن علی - صلوات الله و سلامه علیهما - می‌باشند. ... امروز می‌بینیم که ملت ایران از قوای مسلح نظامی و انتظامی و سپاه و بسیج تا قوای مردمی از عشایر و داوطلبان و از قوای در جبهه‌ها و مردم پشت جبهه‌ها، با کمال شوق و اشتیاق چه فداکاری‌ها می‌کنند و چه حماسه‌ها می‌آفرینند و می‌بینیم که مردم محترم سراسر کشور چه کمک‌های ارزنده می‌کنند و می‌بینیم که بازماندگان شهدا و آسیب‌دیدگان جنگ و متعلقان آنان با چهره‌های حماسه‌آفرین و گفتار و کرداری مشتاقانه و اطمینان‌بخش با ما و

شما روبه‌رو می‌شوند و این‌ها همه از عشق و علاقه و ایمان سرشار آنان است، به خداوند متعال و اسلام و حیات جاویدان. در صورتی که نه در محضر مبارک رسول اکرم ﷺ هستند و نه در محضر امام معصوم - صلوات الله علیه و انگیزه آنان ایمان و اطمینان به غیب است و این رمز موفقیت و پیروزی در ابعاد مختلف است و اسلام باید افتخار کند که چنین فرزندان تربیت نموده و ما همه مفتخریم که در چنین عصری و در پیش‌گاه چنین ملتی می‌باشیم (امام خمینی، ۱۳۸۰، ص ۳۰-۲۰).

از جمله ارزش‌های اخلاقی اعتقادی بسیار مهم که امام خمینی ¹ بر لزوم توجه مستمر به آن تأکید و سفارش می‌کند، این است که عالم محضر خداوند متعال است و همه اعمال و رفتارهای انسان، حتی خطورات قلبی بشر نیز در مأوا و منظر خداوند متعال قرار دارد. بر این اساس، ایشان معتقدند که عموم مردم می‌بایست پاسخ‌گوی عمل‌کرد خود در محضر خداوند متعال باشند. در واقع، توجه به ناظر بودن خداوند متعال از یک‌سو میزان قانون‌گریزی و تخلفات را در جامعه کاهش می‌دهد و از سوی دیگر نیز سطح اعتماد اجتماعی را افزایش و ارتقا می‌دهد؛ زیرا دیدگاه و نگرشی در شهروندان نسبت به یک‌دیگر به وجود می‌آید که هریک از افراد، برای پاسخ‌گوبودن و سربلندبودن در محضر خداوند، به وظایف خود به خوبی عمل خواهد کرد. در نتیجه ثمره عینی این امر نیز به وجود آمدن هم‌کاری و انسجامی خواهد بود که تحقق تمدن نوین اسلامی را تسهیل می‌نماید.

همیشه توجه داشته باشید که کارهای تان در محضر خداست. همه کارها، چشم‌هایی که به هم می‌خورد، در محضر خداست، زبان‌هایی که گفت‌وگو می‌کند، در محضر خداست و دست‌هایی که عمل می‌کند، در محضر خداست و فردا ما جواب باید بدهیم (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۶، ص ۴۰۷). ما در همه امور، در همه کارهایی که انجام می‌دهیم، در اموری که در افکار ما می‌گذرد، در محضر حق تعالی هستیم، تمام عالم محضر اوست، خَلْجَان‌هایی که در قلوب همه می‌گذرد، در محضر اوست و ما همه در هر

امری که در دست ماست و در هر مسئولیتی که در این کشور به عهده داریم، مسئولیت بزرگی پیش خدای تبارک و تعالی داریم (همان، ص ۴۰۹).

از دیدگاه امام خمینی ۱ اجرای قوانین اسلامی که ریشه در ارزش‌ها و اصول اخلاقی اعتقادی اسلام دارد، سعادت دو جهان را در پی خواهد داشت. به بیان دیگر، اگر روابط اجتماعی بر اساس هنجارهای دینی و احکام اسلامی شکل بگیرد، ضمن کاهش هزینه‌های کشور، زمینه پیشرفت‌های علمی و صنعتی در کشور فراهم می‌شود.

اگر قوانین اسلام در همین مملکت کوچک ما جریان پیدا کند، روزی بر او می‌آید که پیش‌قدم در تمدن جهان باشد... (امام خمینی، بی‌تا، ص ۲۳۸).

حضور دین در صحنه سیاسی موجب کاهش فساد، دزدی، خیانت، جنایت و بی‌عفتی و ... می‌شود. با تضعیف جایگاه دین و روحانیت در جامعه، خلل‌هایی در کشور پیدا می‌شود که صدها دادگستری و شهرداری نمی‌توانند بخش کوچکی از آن را اصلاح کنند... اجرای احکام اسلام زمینه تمدن‌سازی و پیش‌قدمی در علم و پیشرفت را برای کشور فراهم خواهد آورد؛ زیرا قانون‌گذار خدای داناست که غفلت از هیچ چیز بشر ندارد [و] درحالی‌که زندگانی مادی او را به بهترین طرز ... اداره می‌کند، زندگانی معنوی او را نیز با نیکوترین و سعادت‌مندترین طور تأمین می‌نماید (امام خمینی، بی‌تا، ص ۱۹۰ و ۲۰۲ و فوزی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۶-۱۰۵).

نتیجه‌گیری

این مقاله، با هدف بررسی جایگاه سرمایه اجتماعی در تحقق تمدن نوین اسلامی در اندیشه امام خمینی ۱ به نتایج ذیل دست یافت:

۱. بررسی دیدگاه امام خمینی در باره جایگاه سرمایه اجتماعی در تحقق تمدن نوین اسلامی نشان می‌دهد که در اندیشه ایشان رابطه معناداری میان سرمایه اجتماعی و تمدن نوین اسلامی برقرار می‌باشد. از دیدگاه امام خمینی ۱ سرمایه اجتماعی از جمله مقدمات کلیدی و تأثیرگذار در تحقق تمدن نوین اسلامی است و به اعتقاد ایشان، هر

چقدر سطح سرمایه اجتماعی در جامعه افزایش یابد، رسیدن به وضعیت تمدن نوین اسلامی نیز تسهیل و تسریع می‌شود.

۲. از دیدگاه امام خمینی وجود عنصر اعتماد در جامعه؛ چه به صورت عرضی؛ یعنی مردم نسبت به یکدیگر و نیز نسبت به خودشان و چه به صورت طولی؛ یعنی اعتماد مردم به مسئولان و بالعکس، زمینه‌ساز وحدت و انسجام، هم‌کاری و هم‌دلی در جامعه می‌گردد و این امر نیز تحقق اهداف و آرمان‌های نظام اسلامی را که تمدن‌سازی از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌باشد، تسهیل و تسریع می‌کند.

۳. از دیدگاه امام خمینی ۱ اقدامات داوطلبانه مبتنی بر اخلاص که در شبکه‌های اجتماعی هم‌چون بسیج و مساجد در جهت حل مسائل و مشکلات کشور صورت می‌پذیرد، نظام اسلامی را در تحقق اهداف خرد و کلان خود به ویژه تحقق تمدن نوین اسلامی یاری می‌رساند.

۴. از دیدگاه امام خمینی، ساری و جاری بودن هنجارهای دینی و انسانی در جامعه و نیز توجه مستمر به آن‌ها، ضمن تقویت التزام به قانون در جامعه، سبب تقویت اعتماد اجتماعی در سطوح مختلف می‌گردد و این امر نیز به نوبه خود، علاوه بر افزایش سطح هم‌کاری و انسجام در میان شهروندان، در تسهیل و تسریع اهداف نظام اسلامی و از جمله تحقق تمدن نوین اسلامی نقش به‌سزایی دارد.

۵. در مجموع می‌توان این‌گونه گفت که سرمایه اجتماعی از دیدگاه امام خمینی از لوازم تحقق ویژگی‌ها و عناصر تمدن نوین اسلامی به شمار می‌رود.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آراسته خو، محمد، نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی - اجتماعی، تهران: گستره، ۱۳۶۹.
۳. ابوالحسنی، سیدرحیم، «کارکردهای سیاسی سرمایه اجتماعی؛ سرمایه اجتماعی و سیاست»، سیاست جهانی، سال دوم، ش ۴، زمستان ۱۳۹۲.
۴. افسری، علی و علیزاده، امیرخادم، «تأثیر آموزه‌های اعتقادی و اخلاقی اسلام بر سرمایه اجتماعی مسلمانان جهان (با تأکید بر شاخص اعتماد تعمیم یافته)»، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال ششم، ش ۲۳، تابستان ۱۳۹۵.

۵. امام خمینی، سیدروح‌الله، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ ۵۹، ۱۳۹۴.
۶. امام خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، ج ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۲۰ و ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
۷. امام خمینی، سیدروح‌الله، کشف اسرار، قم: آزادی، بی‌تا.
۸. امام خمینی، سیدروح‌الله، وصیت نامه سیاسی - الهی امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۰.
۹. امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد و مهربانی‌کوشکی، راضیه، «الگوی اعتماد سیاسی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی؛ با استفاده از تئوری زمینه‌ای (GT)»، مطالعات انقلاب اسلامی، سال دوازدهم، ش ۴۲، پاییز ۱۳۹۴.
۱۰. تاجبخش، کیان، سرمایه اجتماعی (اعتماد، دموکراسی و توسعه)، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه، ۱۳۸۴.
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۲/۹.
۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳.
۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۳/۸/۶.
۱۴. خرمشاد، محمداقرا، «انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی و تمدن نوین اسلامی»، راهبرد فرهنگ، ش ۲۳، پاییز ۱۳۹۲.
۱۵. خضری، محمد، «دولت و سرمایه اجتماعی»، مطالعات راهبردی، سال نهم، ش ۳۱، بهار ۱۳۸۵.
۱۶. دوران، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، ج ۱، تهران: سینا، ۱۳۳۱.
۱۷. دوران، ویل، مشرق زمین گاهواره تمدن، ترجمه احمد آرام، تهران: اقبال، ۱۳۳۷.
۱۸. زمانی‌محبوب، حبیب، «بایسته‌های سیاسی تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی»، پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال چهارم، ش ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۵.
۱۹. شریفیان‌ثانی، مریم، «سرمایه اجتماعی: مفاهیم اصلی و چارچوب نظری»، رفاه اجتماعی، سال اول، ش ۲، زمستان ۱۳۸۰.
۲۰. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، تهران: امیرکبیر، چ ۱، ۱۳۷۱.
۲۱. فراهیدی، خلیل، ترتیب کتاب العین، ج ۱ و ۳، قم: اسوه، ۱۴۱۴ق.

۲۲. فرمهبینی فراهانی، محسن، «الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال هفدهم، ش ۶۷، پاییز ۱۳۹۵.
۲۳. فوزی، یحیی، اندیشه سیاسی امام خمینی، قم: نشر معارف، ۱۳۸۹.
۲۴. گن‌ذیر، ایرنه، کارگردانی دگرگونی سیاسی در جهان سوم، ترجمه احمد تدین، تهران: نشر سفیر، ۱۳۶۹.
۲۵. معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۱، تهران: امیرکبیر، چ ۴، ۱۳۶۰.
۲۶. وینر، مایرون و دیگران، نوسازی جامعه، ترجمه رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای، تهران: انتشارات فرانکلین، ۱۳۵۰.
27. Baylis, John. & Smith, Steve, **Globalization of World Politics**, London: Oxford University Press, 1997.
28. Kaasa, Anneli, “Effects of Different Dimensions of Social Capital on Innovative Activity: Evidence from Europe at the Regional Level”. Journal of Tartu, **Technovation**, No.29, 2009.
29. Parts, Eve, “The Dynamics and Determinants of Social Capital in the European Union and Neighbouring Countries”. XXI International **Conference** on Economic Policy in EU States – year2013, University of Tartu and Tallinn Technical University, Janeda, Estonia, June2013.
30. Putnam, Robert.D, “Bowling Alone: America's Declining Social Capital” **Journal of Democracy**, No.6, 1995.